

میتوان در باره خشونت و ناهنجاری های جامعه قلم فرسائی نمود . تنها میتوانم عمق فاجعه را در یک خط آنهم از زبان حمیدیان رئیس مجتمع قضایی خانواده تصویر نمایم که میگوید « دختران میتوانند در ۹ سالگی ازدواج کنند ، اما برای در خواست طلاق و اخذ مهریه باید سن رشد خود را ثابت نمایند.»

منابع :

- ۱- روزنامه اعتماد مهر ماه ۱۳۸۱
- ۲- روزنامه همشهری اردیبهشت ۱۳۷۹
- ۳- روزنامه ایران ۲۵ مهر ماه ۱۳۸۱
- ۴- روزنامه قدس مهرماه ۱۳۸۱
- ۵- روزنامه جمهوری اسلامی خرداد ۱۳۷۷
- ۶- روزنامه عصر امروز ۲۵ مهر ماه ۱۳۸۱
- ۷- روزنامه شهروند ۲۷ مهر ماه ۱۳۸۱

تغییر قانون کار ...

از صفحه ۲۰

داران تعیین می کنند. طبقه کارگر ایران در فرایند مبارزات اقتصادی و سیاسی خود بیش از گذشته دریافته که « رهایی رنجبران ، وحدت و تشکیلات » است و تنها تشکل های مستقل کارگری و مبارزه متحدانه کارگران ضامن احقاق حقوق آن ها می باشد.

کمیسیون کارگری سازمان اتحاد فداییان خلق ایران

توضیحات :

ماده ۱۹۱- کارگاه های کوچک کمتر از ده نفر را می توان بر حسب مصلحت ، موقتا از شمول بعضی از مقررات این قانون مستثنی نمود. تشخیص مصلحت و موارد استثنا به موجب آئین نامه ای خواهد بود که با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۸۹- در بخش کشاورزی ، فعالیت های مربوط به پرورش و بهره برداری از درختان میوه ، انواع نباتات ، جنگل ها ، مراتع ، پارک های جنگلی و نیز دامداری و تولید و پرورش ماکیان و طیور ، صنعت نوغان ، پرورش آب زیان و زنبور عسل و کاشت و داشت و برداشت و سایر فعالیت ها در کشاورزی ، به پیشنهاد شورای عالی کار و تصویب هیات وزیران می تواند از شمول قسمتی از اطن قانون معاف گردد.

نیستند و عمق فاجعه عمیق تر از این رقم هاست ، ما اگر بخواهیم آمار دقیق داشته باشیم باید در تمامی سطوح تحقیق کنیم و آمار بگیریم . بطور مثال برای همسر آزاری و خشونت علیه زنان و کودکان ویا در باره تعداد گریز زنان و جوانان و کودکان از خانه به خیابان هیچ آمار مستندی وجود ندارد «وی در دنباله مصاحبه ادامه میدهد : «من حتی به آمارهایی که وزارت کشور میدهد اعتمادی ندارم .»

در بخش دیگر مصاحبه گفته میشود که عوامل متعدد جنگ و بیخانمانی و دربه دری در سالهای طولانی و حاشیه نشینی و مهاجرت و فقر و ... از دلایل دیگر میباشند. بطور مثال زیر پل سید خندان در هتل بین المللی سابق جنگ زدگان را آوردند و اسکان دادند آنها جوانانی سالم بودند ولی بخاطر فقر و نبودن خانواده و سرپرست در معرض انواع خطرات قرار گرفتند خود فروشی . فروش مواد مخدر و خطرات دیگر از بیرون آن بچه های معصوم را به ناهنجاری های مثل قتل و جنایت کشاند و تخریب نمود و آواره نمود ازدواج دختران ایرانی با افغانیا و خرید این دختران توسط افغانیا که تعدادی بچه تولید کردند و قابل توجه است که خیلی از بچه های خیابانی بچه همین افغانی ها با زنان ایرانی است .

وی سپس ادامه میدهد: «افزایش طلاق و کاهش ازدواج یعنی هشداری بزرگ اینکه مسئله ایست ریشه ای که مخرب است و پدیده ای خطرناک که متاسفانه باور اکثریت مردم اجتماع این است که زن جوان طلاق گرفته به درد کارهای خلاف می خورد بنابر این کسی که طلاق میگیرد خود به خود مستعد پذیرش یک زندگی ناهنجار است از طرف دیگر طلاق بین سن های ۴۷ تا ۵۵ یعنی بحران میانسالی . اما دخترانی که به علت گریز از محدودیت های درون خانواده ازدواج میکنند و در ازدواج نیز با محدودیتهای دیگر روبرو میشوند و در فاصله کوتاهی طلاق میگیرند تا آزاد زندگی کنند باید گفت درصدی از آنان برای فرار از جامعه مردسالار این کار را میکنند البته علل دیگر هم برای طلاق زودرس وجود دارد که از آن جمله عدم درک درست از زندگی زناشویی ، نداشتن شغل مناسب ، شغل کاذب مردان یا تحولات یکشنبه اقتصادی و...»

در جامعه ای که دختر ۹ ساله بجای نشستن پشت نیمکت مدرسه به خانه شوهر و دنیای پر پیچ و خم بزرگان پرتاب میشود ، چگونه

سازمان بهزیستی میگوید: «فکر میکنم از یک میلیون و هفت صد هزار زن سرپرست خانوار، ۵۰۰ هزار زن ، تحت هیچگونه پوشش خدماتی نیستند و همه در معرض بزهکای قرار دارند». خانم دکتر شهین علیائی زند ، عضو هیات علمی دانشگاه علمی دانشگاه علامه طباطبائی میگوید: « در تحقیقاتی که در مورد ۱۴۷ زن خیابانی انجام گرفته معلوم شده که ده درصد آنان تحت پوشش نهادهای اجتماعی بوده اند. طبق آمار مرکز سنجش ایران استان خراسان ۲۲/۴ درصد زنان خیابانی را دارا میباشد و تهران ۱۴ درصد و استان کهگیلویه و بویراحمد ۷ درصد.»

آنچه مهم است اینکه اکثر دختران فراری در واقع از مشکلات خانواده ، خشونت شوهر و پدر و برادر، عدم امنیت ، فقر ، کنترل بیش از حد و ازدواج های اجباری و در برخی موارد بی بند و باری خانواده فرار نموده اند .

طبق بررسی خانم دکتر علیایی زند ، بیش از یک سوم زنان خیابانی دوران کودکی و نوجوانی را بدون حضور مشترک والدین سپری نموده اند . و همچنین از ۱۰۰ زن خیابانی در تهران ۷۸ نفر قبل از ورود به این مسیر ازدواج نموده و دچار خشونت ها و آزار های جسمی قرار گرفته اند و ۲۲ نفر آنان مجرد بوده اند. ۵۷ نفر قبلا والدین معتاد داشته و ۳۱ نفر والدینشان به دلایل مختلف جدا از هم زندگی میکردند، ۴۳ نفر مورد محبت قرار نگرفتند ، ۳۸ نفر در حد متوسط و و ۱۴ نفر از محبت زیاد برخوردار بوده اند . از میان ۱۴۷ نفر زنان خیابانی ۶۰ درصد بین سن های ۱۳ تا ۲۰ پا به خیابان گذاشته اند.

و اما شمار دخترانی که به دلایل بالا از خانه گریخته اند در سال ۱۳۷۹ هزار و دویست نفر، و در سال ۱۳۸۰ پنج هزار نفر و تا به حال به ۶۰۰۰ نفر فقط در تهران رسیده است. همینطور هر سال که جلو تر رفته سن دختران کاهش یافته است. به این صورت که سن متوسط این دختران در سال ۱۳۷۸ از ۱۶ سال، به ۱۴/۷ در ۱۳۷۹ رسیده است . تنها از هر ۴۵ دختر فراری ۱۳ نفر به خانه برگشته اند دکتر انور صمدی راد استاد دانشکده علامه طباطبائی در یک مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه ایران در ۲۵ مهر ماه ۱۳۸۱ میگوید: «متاسفانه آمار و ارقام داده شده را باور نداشته و درست نمیداند زیرا که این ارقام فقط ارقامی هستند که مورد شکایت داشته اند در حالیکه اینها تمامی افراد آسیب دیده در جامعه